

بررسی رابطه کارآفرینی شرکتی و توسعه پایدار شهری با استفاده از

الگوی شهر کارآفرین^۱

*بابک ضیاء^ا، *مهراڻ رضوانی، ***محمد عین القضاة

* استادیار، گروه کارآفرینی سازمانی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران - تلفن ثابت: ۰۲۱۶۱۱۱۹۳۵۰ - تلفن همراه: ۰۹۱۲۸۳۴۷۸۵۷ - پست الکترونیک: bziyae@ut.ac.ir

** دانشیار، گروه کارآفرینی سازمانی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران - تلفن ثابت: ۰۲۱۶۱۱۱۹۲۲۵ - تلفن همراه: ۰۹۱۲۲۸۹۶۳۴۶ - پست الکترونیک: m.rezvani@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری، گروه کارآفرینی سازمانی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران - تلفن ثابت: ۰۵۱۳۸۷۱۴۷۲۹ - تلفن همراه: ۰۹۱۵۳۲۰۲۵۶۶ - پست الکترونیک: eynolghozat.m@ut.ac.ir

نویسنده مسئول

نشانی نویسندگان: تهران، خیابان کارگر شمالی، خیابان شهید فرشی مقدم (شانزدهم)، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، کد پستی: ۱۴۳۹۸۱۳۱۴۱، صندوق پستی: ۷۹۶-۱۴۳۹

^۱ این مقاله از رساله دکتری نویسنده سوم استخراج شده است.

The relationship between corporate entrepreneurship and urban sustainable development by using the pattern of entrepreneurial city

Abstract

With the increase of urbanization, many economic and social problems have arisen, so the urban management system using various tools and policies to create sustainable development in metropolitan areas. One of these policies is the development of the entrepreneurial city. The aim of this study is to explain the role of corporate entrepreneurship in the process of forming an entrepreneurial city as a strategy for sustainable development. Also; the role of corporate entrepreneurship in creating the necessary infrastructure to create an entrepreneurial city has been contemplated. The research method is qualitative and grounded theory as an emergent method is used, so that first qualitative data were obtained by examining the research background and using the systematic review method and also using content analysis tools, collection and the basic structure of classification of variables. Then, according to the life experience of the authors of the research, each of whom has scientific and practical expertise in the field of this research, the main variables and components of the research were extracted and finally the conceptual model of the research was obtained. Findings showed that while classifying the components into three categories: 1- structural conditions 2- social interaction of agents and structure 3- outcomes; The entrepreneurial city is proposed as a new policy in the sustainable development of metropolises that the entrepreneurial city is a new policy in sustainable development of metropolises and one of the ways to create it is the development of corporate entrepreneurship so that corporate entrepreneurship and economic performance of metropolises have a positive and significant relationship with each other.

Keywords: Corporate Entrepreneurship, Entrepreneurial City, Sustainable Development, Metropolis

*Babak Ziyae^a, **Mehran Rezvani, ***Mohammad Eynolghozat

* Assistant Professor, Department of Organizational Entrepreneurship, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran – phone number: 02161119350 – mobile number: 09128347857 – Email: bziyae@ut.ac.ir

** Associate Professor, Department of Organizational Entrepreneurship, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran – phone number: 02161119225 – mobile number: 09122896346 – Email: m.rezvani@ut.ac.ir

*** PhD Student, Department of Organizational Entrepreneurship, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran – phone number: 05138714729 – mobile number: 09153202566 – Email: eynolghozat.m@ut.ac.ir

^a Corresponding Author

Authors' address: Tehran, North Kargar St., Shahid Farshi Moghaddam St. (16th), Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tel: 021-88225006, Postal Code: 1439813141, PO Box: 1439-796

بررسی رابطه کارآفرینی شرکتی و توسعه پایدار شهری با استفاده از

الگوی شهرکارآفرین

چکیده

با افزایش پدیده شهرنشینی، مشکلات اقتصادی و اجتماعی زیادی بروز کرده است، لذا نظام مدیریت شهری با استفاده از ابزارها و سیاست‌های مختلف درصدد ایجاد توسعه پایدار در کلان‌شهرها هستند. یکی از این سیاست‌ها توسعه شهرکارآفرین است. هدف از انجام این تحقیق تبیین نقش کارآفرینی شرکتی در فرآیند شکل‌گیری شهرکارآفرین به عنوان راهکار توسعه پایدار در کلان‌شهرها می‌باشد. همچنین نقش کارآفرینی شرکتی در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای ایجاد شهرکارآفرین، مورد بررسی قرار گرفته است. در این مطالعه، روش تحقیق از نوع کیفی است و از روش نظریه برخاسته از داده به شیوه نوحاسته استفاده شده است، بطوریکه ابتدا داده‌های کیفی با بررسی پیشینه تحقیق و با بهره‌گیری از روش مرور سیستماتیک و نیز با استفاده از ابزارهای تحلیل و کدگذاری محتوا، گردآوری و ساختار اولیه دسته‌بندی متغیرها بدست آمد. در ادامه با توجه به تجربه‌ی زیسته‌ی نگارندگان مقاله که هر کدام در زمینه‌ی این تحقیق، دارای تخصص علمی و عملی می‌باشند، متغیرها و مؤلفه‌های اصلی پژوهش احصا گردید و نهایتاً مدل مفهومی تحقیق بدست آمد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ضمن دسته‌بندی مؤلفه‌ها در سه دسته (۱) شرایط ساختاری، (۲) تعامل اجتماعی کارگزاران و ساختار (۳) پیامدها؛ شهرکارآفرین به عنوان یک سیاست جدید در توسعه پایدار کلان‌شهرها مطرح می‌باشد و یکی از راهکارهای ایجاد آن، توسعه کارآفرینی شرکتی است بطوریکه کارآفرینی شرکتی و عملکرد اقتصادی کلان‌شهرها رابطه مثبت و معنی‌داری با یکدیگر دارند.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی شرکتی، شهرکارآفرین، توسعه پایدار، کلان‌شهر

۱- مقدمه

می‌کنند و فقط یک نسخه بزرگتر از شهر سنتی نیست بلکه یک شکل جدید و متفاوت از سکونت انسان است. ملاک جمعیتی مشخص و یکسانی در جهان برای تمیز کلان‌شهرها وجود ندارد ولی معمولاً شهرهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر (و در برخی تعریف‌ها بیش از چهار میلیون نفر) را کلان‌شهر می‌دانند؛ لیکن ملاک اصلی تمیز کلان‌شهرها، پیچیدگی ساختاری آنهاست (آنگوتی^۵، ۲۰۱۸).

سیاست‌گذاری‌های توسعه در ایران طی دهه‌های اخیر به رشد ناموزون و عدم تعادل‌های شدیدی چه به لحاظ بخشی و چه به لحاظ فضایی- مکانی میان شهرها و روستاها و حتی در سطوح مختلف جوامع شهری منجر شده است (امانی و همکاران، ۱۳۹۹). بخش عمده‌ای از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های توسعه در بخش خصوصی نهفته است که متأسفانه رویکردهای دولت‌محور مانع از ظهور و شکوفایی این استعدادها بالقوه^۶ است (گلنزر و همکاران^۶، ۲۰۱۰). لذا ناپایداری موجود در توسعه کشورها و شهرها، موجب شده تا روش‌های سنتی در توسعه شهری مورد تردید قرار گرفته و سیاست‌های جدیدی در حوزه مدیریت شهری بروز کند

تحقیق و پژوهش در خصوص مشکلات و مسائل اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی شهرها در کشورهای در حال توسعه از چندین دهه قبل مورد توجه و تأمل صاحب نظران علوم اجتماعی بوده و هست (مارسیگلیو^۲، ۲۰۱۱)؛ از طرفی نیز مطالعات زیادی برای پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان بستر کارآفرینی را برای عموم افراد جامعه فراهم کرد، انجام پذیرفته است (رینولدز و همکاران^۳، ۱۹۹۴)؛ اما بررسی ابعاد و چگونگی توسعه شهرها از منظر کارآفرینی (توجه به مفهوم شهرکارآفرین و نقش آن در توسعه پایدار شهری) چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

کلان‌شهرها از پدیده‌های نوظهور قرن بیستم هستند که به الگوی غالب شهرنشینی تبدیل شده‌اند و با مشخصه‌های شکلی و ساختاری مختلفی مواجه شده و تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در طول زمان شکل گرفته و در حال تغییر هستند (سوینکا و همکاران^۴، ۲۰۱۶). معمولاً کلان‌شهرها را با صفت پیچیدگی روابط و ساختارها معرفی

^۲ Marsiglio

^۳ Reynolds et al.

^۴ Soyinka et al.

^۵ Angotti

^۶ Glaeser et al.

(پندیت و همکاران^۷، ۲۰۱۷)؛ یکی از عواملی که می‌تواند باعث رشد متوازن و توسعه پایدار کشورها و کلان‌شهرها گردد، مقوله کارآفرینی است.

در خصوص توسعه، تعاریف متعددی ارائه شده است. بهبود، رشد و گسترش همه شرایط و ابعاد مادی و معنوی حیات اجتماعی را توسعه گویند که هماهنگی سه عنصر اصلی شامل: سود و رشد اقتصادی، امنیت اجتماعی و محیط زیست را در پی داشته باشد و رفاه و امنیت افراد و جوامع را مهیا کند (دی‌وایو و همکاران^۸، ۲۰۲۰). با توجه به ماهیت این تحقیق، به جنبه اقتصادی در مفهوم توسعه توجه بیشتری شده است. برخی توسعه اقتصادی را فرآیندی می‌دانند که به موجب آن، تولید سرانه شاغلین نیروی کار در بلندمدت افزایش می‌یابد. درعین حال دیگران، توسعه اقتصادی را فرایندی می‌دانند که موجب افزایش درآمد سرانه در بلندمدت می‌شود (دوروسو-سیفتسی و همکاران^۹، ۲۰۱۷)

برای اینکه بتوان توسعه را پایدار نامید، باید دارای چهار ویژگی باشد: ۱- بهره‌وری ۲- عدالت ۳- انعطاف‌پذیری ۴- ثبات (موس و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۶). در تعریف توسعه پایدار شهری^{۱۱} با حفظ کلیات آن، می‌توان تعریف توسعه پایدار را بر شهر تسری داد. امروزه ساختار اقتصادی- اجتماعی دنیا با گذشته به طور اساسی تفاوت دارد و توسعه پایدار براساس نوآوری و خلاقیت و کارآفرینی استوار است و بدون شک کارآفرینی نقشی بسیار کلیدی در این فرآیند دارد و از شاخص‌های توسعه یافتگی کشورها محسوب می‌شود (گلیزر و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۰؛ شهبازی و همکاران، ۱۳۹۳). کارآفرینی به عنوان یک سیستم از مجموعه‌ای از اقدامات مرتبط و هدفمند توسط کارآفرینان (افراد و شرکت‌ها) تشکیل شده که با یک روش مشخص، فرصت‌ها را، جهت تولید کالا و خدمت جدید، کشف یا خلق، ارزیابی و مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند و نهایتاً منجر به خلق ارزش در جامعه می‌گردد (شین و ونکاتارامان^{۱۳}، ۲۰۰۰).

مطالعات نشان داده که اکوسیستم‌های کارآفرینی برای بقا و رشد مستمر، نیازمند استفاده از راهکارهایی جدید هستند و کارآفرینی شرکتی به عنوان یک رویکرد جدید و راهبردی، الگویی کارآمد جهت حصول به اهداف توسعه در شهرها و

نظامات اجتماعی قلمداد می‌گردد (آئینی و سعیدی‌کیا^{۱۴}، ۲۰۱۹؛ وونگلیمپیارات^{۱۵}، ۲۰۱۳). افزایش و ترغیب سرمایه-گذاری، اشتغال‌زایی، رشد فناوری، افزایش رفاه و مواردی از این دست، از اثرات مثبت توسعه کارآفرینی در شهرها می-باشند (گلیزر^{۱۶}، ۲۰۰۷). یکی از جدیدترین ساختارها و مفاهیم در این زمینه مفهوم شهرکارآفرین^{۱۷} است.

شهر کارآفرین در واقع یک سیاست جدید شهری است که در آن ائتلاف‌ها و منابع مختلف محلی تلاش می‌کنند تا ارزش اقتصادی فضای شهری را افزایش داده و جذب سرمایه را با حفظ پایداری به حداکثر برسانند. در ادبیات موضوع از این سیاست به عنوان یک پاسخ تاکتیکی به محدودیت منابع مالی و فشارهای سیاسی خارجی، یاد شده است (ناکامورا^{۱۸}، ۲۰۲۰).

استفاده از مفهوم شهرکارآفرین در راستای توسعه پایدار کشورها به کار برده می‌شود، بطوریکه برخی کشورها توانسته-اند از طریق اقتصاد کارآفرینی به توسعه پایدار دست یابند؛ لذا در این راستا می‌توان با ایجاد یک اکوسیستم کارآفرینانه موفق در محیط شهری با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای حاضر، تا حد زیادی فرآیند خلق ثروت را در یک شهر دائمی‌کرد (هال و هوبارد^{۱۹}، ۱۹۹۶) که در این خصوص مقوله کارآفرینی شرکتی به عنوان راهکاری که اثرگذاری آن در توسعه پایدار به مراتب از کارآفرینی مستقل بیشتر می‌باشد؛ کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در رابطه با ارتباط کارآفرینی شرکتی و شهرکارآفرین می‌توان چنین بیان کرد که مؤلفه‌های کارآفرینی شرکتی (شامل: گرایش کارآفرینانه، توسعه ظرفیت‌های سازمانی و توسعه قابلیت‌های پویای سازمانی) هرکدام به نوعی درهم تنیده با مفهوم شهرکارآفرین و نیز توسعه پایدار شهری هستند. ازجمله توانایی تکرار قابلیت‌های پویا در روند تشخیص فرصت تأثیرگذار است که نتیجه آن شکل‌گیری بازارهای جدید، توسعه محصولات جدید، ابعاد مختلف نوآوری و شناسایی تهدیدها و فرصت‌ها، توانایی درک نیازهای متغیر مشتری، توانایی درک پیشرفت‌های رقابتی است و منجر به توسعه پایدار جامع^{۲۰} می‌شود (فانک و کوپپر^{۲۰}، ۲۰۱۱).

^{۱۴} Aeeni & Saedikiya

^{۱۵} Wonglimpiyarat

^{۱۶} Glaeser

^{۱۷} Entrepreneurial City

^{۱۸} Nakamura

^{۱۹} Hall & Hubbard

^{۲۰} Funcke & Kuiper

^۷ Pandit et al.

^۸ Di Vaio et al.

^۹ Durusu-Ciftci et al.

^{۱۰} Moss et al.

^{۱۱} Sustainable urban development

^{۱۲} Glaeser et al.

^{۱۳} Shane & Venkataraman

مشکلاتی در نهادینه شدن آن شده است؛ چرا که اشتغال‌زایی تنها بخشی از مفهوم کلان و به عنوان یکی از خروجی‌های کارآفرینی است و شاید استفاده از واژه ارزش‌آفرینی به جای کارآفرینی می‌توانست این کاستی را تا حد فراوانی پوشش دهد.

کارآفرینی یک پدیده چندبعدی و با سطوح تحلیل چندگانه است که به صورت میان‌رشته‌ای به وجود آمده است. براساس مفهوم فرصت، کارآفرینی چنین تعریف شده است: مجموعه اقدامات کارآفرینان (افراد و شرکت‌ها) که با یک روش مشخص، فرصت‌ها را، جهت تولید کالا و خدمت جدید، کشف یا خلق، ارزیابی و مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند که نهایتاً منجر به خلق ارزش در جامعه خواهد شد (شین و ونکاتارامان^{۲۲}، ۲۰۰۰).

در نقشه توسعه کارآفرینی کشور ایران توسعه کارآفرینی این چنین تعریف شده است: مجموعه‌ای جامع، هماهنگ و پویا از اهداف، سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌های عملیاتی و سازماندهی فعالیت‌های تعیین شده به همراه پیش‌بینی اقدامات و پروژه‌های اجرایی لازم (مشمول بر تعیین متولیان اجرا اعم از دستگاه‌های اجرایی مسئول، دستگاه‌های اجرایی همکار، پیش‌بینی تهیه آیین‌نامه اجرایی یا لایحه و حداکثر مدت زمان برای تهیه آن، تعریف دستاوردهای اجرای سیاست، پیش‌بینی اعتبار مورد نیاز و محل تامین آن) مبتنی بر ارزش‌های اسلامی- ایرانی و آینده‌نگر برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز کشور (دفتر توسعه کارآفرینی، ۱۳۹۰). به بیان دیگر کارآفرینی (فرآیند کشف و بهره‌برداری از فرصت‌ها به منظور ارزش‌آفرینی در حوزه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی) عامل پیشرفت و توسعه اقتصادی است و لازمه توسعه پایدار تلقی می‌شود، فلذا مورد توجه دولت‌ها و مدیران شهری است (پورنما^{۲۳}، ۲۰۱۳).

۲-۱-۱- کارآفرینی شرکتی: ارزش‌آفرینی چند برابر

مطالعات نشان داده که اکوسیستم‌های کارآفرینی برای بقا و رشد مستمر، نیازمند استفاده از راهکارهایی جدید هستند و کارآفرینی شرکتی به عنوان یک رویکرد جدید و راهبردی، الگویی کارآمد جهت حصول به اهداف توسعه پایدار در شهرها و نظامات اجتماعی قلمداد می‌گردد (آئینی و سعیدی‌کیا^{۲۴}، ۲۰۱۹؛ وونگلیمپیارات^{۲۵}، ۲۰۱۳).

هدف از انجام این تحقیق تبیین نقش کارآفرینی شرکتی در فرآیند شکل‌گیری شهرکارآفرین به عنوان راهکار توسعه پایدار در کلان‌شهرها می‌باشد. همچنین در این پژوهش، نقش کارآفرینی شرکتی در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای شهرکارآفرین، که خود منجر به توسعه پایدار در کلان‌شهرها خواهد شد، مورد مذاکره و بررسی قرار گرفته است.

نوآوری اصلی پژوهش توجه به بعد جدیدی از نظریات توسعه پایدار در کلان‌شهرها، به نام استراتژی توسعه با رویکرد ایجاد شهرکارآفرین است که از جدیدترین و نوآورانه‌ترین مفاهیم علمی در این زمینه می‌باشد. همچنین توجه به کارآفرینی شرکتی به عنوان یکی از ابعاد و عوامل شکل‌گیری شهرکارآفرین نیز از دیگر نوآوری‌های پژوهش بوده که تا کنون در ادبیات موضوع توجه چندانی به آن نشده است. در این رابطه نیز در انتهای پژوهش جایگاه کارآفرینی شرکتی و نحوه نقش‌آفرینی آن در شکل‌گیری شهرکارآفرین تحت قالب یک مدل مفهومی مشخص شده است.

امید است با انجام این تحقیق، با تبیین و تشریح ابعاد شهرکارآفرین و نیز نقش کارآفرینی شرکتی در پیشبرد آن و با کمک به هماهنگ نمودن روابط اقتصادی و اجتماعی و تداوم دسترسی کارآفرینان به منابع در اختیار مدیریت شهری، بتوان بدنه جامعه و مدیریت شهری را (چه در قالب روند توسعه پایدار و چه در قالب روند پویایی و رشد اجتماعی) مورد انتفاع قرار داد.

۲- مبانی نظری و پیشینه:

۲-۱- کارآفرینی: موتور رشد و توسعه پایدار

امروزه شرایط اجتماعی و اقتصادی کشورهای درحال توسعه به نحوی است که حل معضلات و مسائل، روش‌ها و راهکار-های جدید و متفاوتی را می‌طلبد و کارآفرینی به عنوان موتور رشد و توسعه کشورها و نقش کلیدی کارآفرینان در این حوزه اثبات شده است (آئینی و سعیدی‌کیا^{۲۱}، ۲۰۱۹). ذکر این نکته لازم است که هنوز پس از گذشت سال‌ها، واژه کارآفرینی در کشور ما مفهوم واقعی خود را به اذهان متبادر نمی‌سازد و در بسیاری از مواقع، از کارآفرینی صرفاً به عنوان راه‌حلی برای رفع معضل بیکاری یاد می‌شود. کارآفرینی ترجمه کلمه Entrepreneurship است و باید اذعان داشت این ترجمه تحت‌اللفظی نتوانسته است بصورت شفاف، معنا را به مخاطب دیکته نماید لذا از حیث تخصصی باید به مقوله کارآفرینی پرداخته شود. همین مسئله، گسترش و تعمیم مفهوم کلان کارآفرینی در ایران را به چالش کشانده و باعث

^{۲۲} Shane & Venkataraman

^{۲۳} Purnama

^{۲۴} Aeeni & Saedikiya

^{۲۵} Wonglimpiyarat

²¹ Aeeni & Saedikiya

اگر کارآفرینی را دو نوع مستقل و سازمانی بدانیم؛ بطور خلاصه مصداق مطالب فوق در بستر و زمینه یک شرکت یا سازمان را کارآفرینی شرکتی می‌نامند که اقدامات کارآفرینانه توسط آن شرکت یا سازمان حمایت شده و بودجه مورد نیاز تأمین می‌گردد. محققان مختلف در ادبیات موضوع، ابعاد و مؤلفه‌های مختلفی را برای کارآفرینی شرکتی برشمرده‌اند، لیکن در این تحقیق سه متغیر اصلی که بیشترین اجتماع بر روی آنهاست انتخاب شده و مورد نظر می‌باشد. این مؤلفه‌ها عبارتست از: گرایش کارآفرینانه^{۲۶}، توسعه ظرفیت‌های سازمانی^{۲۷} و توسعه قابلیت‌های پویای سازمانی^{۲۸}.

گرایش کارآفرینانه یک جهت‌گیری استراتژیک در سطح سازمان است که فلسفه مدیریتی، رفتار سازمان و اسلوب استراتژیک را که در ذات کارآفرینانه هستند، شامل می‌شود (جورج و مارینو^{۲۹}، ۲۰۱۱). همچنین گرایش کارآفرینانه رفتارهایی نظیر نوآوری^{۳۰}، پیشفعالی یا پیش‌گام بودن^{۳۱}، ریسک‌پذیری^{۳۲}، تهاجم رقابتی^{۳۳} و استقلال^{۳۴} را درگیر ساخته، بطوریکه هدایتگر تغییر در سطح سازمان با سطح بازار می‌باشد (کُوین و لامپکین^{۳۵}، ۲۰۱۱).

منظور از نوآوری خلق ارزش جدید اقتصادی بر مبنای دانش سازمانی است و یک عامل کلیدی برای کاهش زمان رسیدن محصولات و خدمات به بازار می‌باشد و فعالیت‌هایی نظیر ایده‌پردازی، طراحی و ساخت محصول جدید، روش متفاوت تولید، بازاریابی و فروش را شامل می‌شود (مهارجانی و همکاران، ۱۳۹۹). پیش‌فعالی یا پیش‌گام بودن، نوعی ماهیت رفتاری در کلیه ابعاد سازمانی است که به رهبر و پیشرو بودن در زمینه فعالیت شرکت و ابتکار عمل در استفاده از فرصت‌های بازار مربوط می‌شود (کُوین و لامپکین^{۳۶}، ۲۰۱۱). ریسک‌پذیری، اشتیاق به انجام اقدامات و سرمایه‌گذاری در محیط عدم اطمینان و با نتایج نه‌چندان معین و یا استفاده از

فناوری‌ها و روش‌های نوین و جدید است (جورج و مارینو^{۳۷}، ۲۰۱۱). استقلال در ایجاد توانایی در ابتکارات کارآفرینانه‌ی کارمندان شرکت کلیدی است. و نهایتاً تهاجم‌رقابتی به این مورد اشاره می‌کند که چگونه شرکت‌ها به روند رقابت و تقاضا که هم‌اکنون در بازار وجود دارد، عکس العمل نشان می‌دهند (کُوین و لامپکین^{۳۸}، ۲۰۱۱).

یکی دیگر از مؤلفه‌های کارآفرینی شرکتی مفهوم قابلیت‌های پویا^{۳۹} است که از دیدگاه مبتنی بر منابع نشأت گرفته است. بر اساس دیدگاه منبع محور^{۴۰}، منابع ارزشمند، کمیاب، بی‌نظیر و غیرقابل جایگزینی، منشأ برتری رقابتی هستند لذا محققین کارآفرینی، قابلیت‌های پویا را منشأ مزیت رقابتی پایدار می‌دانند. در واقع قابلیت‌های پویا توانایی سازمان در یکپارچه‌سازی، ساخت و صورت‌بندی مجدد قابلیت‌های درونی و بیرونی برای مواجهه با تغییر سریع محیط تعریف می‌شود (آمبروسینی و همکاران^{۴۱}، ۲۰۰۹). سازمان‌های بزرگ و تثبیت شده در محیط‌هایی با گذران سریع که برای رقابت در سطح جهانی طراحی شده‌اند، از نوآوری‌های مداوم، تغییر، نوسازی و کارآفرینی شرکتی برای ایجاد و حفظ مزایای رقابتی، استفاده می‌کنند که نتیجه آن شکل‌گیری بازارهای جدید، توسعه محصولات جدید، ابعاد مختلف نوآوری و شناسایی تهدیدها و فرصت‌ها، توانایی درک نیازهای متغیر مشتری، توانایی درک پیشرفت‌های رقابتی خواهد بود بطوریکه منجر به توسعه پایدار در جامعه خواهد شد (فانک و کوپیر^{۴۲}، ۲۰۱۱).

ظرفیت‌سازی^{۴۳} یکی دیگر از مؤلفه‌های کارآفرینی شرکتی است که اتفاقاً نقطه اشتراک با موضوع توسعه پایدار شهری است. ظرفیت‌سازی در واقع پوشش دادن توسعه منابع انسانی و تقویت سیستم‌های مدیریتی و همچنین توسعه نهادی است که باعث مشارکت جامعه و ایجاد یک محیط فعال خواهد شد. ظرفیت‌سازی، برنامه ریزی افراد برای کسب دانش و مهارت‌های پیشرفته‌ای است که برای توسعه کلان‌شهرها، سطح زندگی و توانمندسازی افراد حیاتی است (انوازور^{۴۴}، ۲۰۱۲).

^{۲۶} Entrepreneurial Orientation

^{۲۷} Capacity Building

^{۲۸} dynamic capabilities

^{۲۹} George & Marino

^{۳۰} innovativeness

^{۳۱} proactiveness

^{۳۲} risk-taking

^{۳۳} Competitive aggressiveness

^{۳۴} autonomy

^{۳۵} Covin & Lumpkin

^{۳۶} Covin & Lumpkin

^{۳۷} George & Marino

^{۳۸} Covin & Lumpkin

^{۳۹} Dynamic Capabilities

^{۴۰} RBV

^{۴۱} Ambrosini et al.

^{۴۲} Funcke & Kuiper

^{۴۳} Capacity Building

^{۴۴} Nwazor

۲-۱-۲- شهرکارآفرین: یک استراتژی جدید مدیریت

شهری در راستای توسعه پایدار

قبل از طرح مباحث مربوط به پیشینه مرتبط با مفهوم "شهرکارآفرین" ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که با توجه به بدیع و جدید بودن مفهوم "شهر کارآفرین"، منابع علمی چندان زیاد به آن نپرداخته‌اند و طبیعتاً هنوز ادبیات انسجام یافته و یکپارچه‌ای برای آن وجود ندارد.

کارآفرینی شهری یا شهرکارآفرین عبارت است از نرخ وقوع رفتار کارآفرینانه شهروندان یک شهر، به عبارت دیگر افزایش فرصت‌های بازار، افزایش گفتمان کارآفرینانه برای انجام فعالیت کارآفرینی و توانمندسازی شهروندان برای موفقیت در اجرای فرآیند کارآفرینی را کارآفرینی شهری می‌نامند (فاجیو و سیلوا^{۴۵}، ۲۰۱۴).

مفهوم شهرکارآفرین با جایگزینی توسعه و پیشرفت سرمایه‌داری به جای توسعه با رویکرد سوسیالیستی شکل گرفته است (وایل و همکاران^{۴۶}، ۲۰۰۴). با استفاده از داده‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی^{۴۷} از ۴۷ منطقه شهری در ۲۲ کشور عضو اتحادیه اروپا، مشخص شده است که مناطق شهری با سطوح بالای رشد اقتصادی و تنوع فعالیت‌های اقتصادی، سطح بالاتری از فعالیت‌های کارآفرینی مبتنی بر فرصت را نسبت به هم‌تایان خود نشان می‌دهند (استرنبرگ و بوسما^{۴۸}، ۲۰۱۴).

شهرکارآفرین دارای شاخص‌های هشت‌گانه شامل: منبع محوری، فرهنگ کارآفرینی، فلسفه پاداش، استراتژی محوری و ساختار مدیریتی می‌باشد که تقویت هر کدام موجب توسعه کارآفرینی در شهر خواهند شد (سریرام و همکاران^{۴۹}، ۲۰۰۷). شهرکارآفرین در واقع یک سیاست جدید شهری است که در آن ائتلاف‌ها و منابع مختلف محلی تلاش می‌کنند تا ارزش اقتصادی فضای شهری را افزایش داده و جذب سرمایه را با حفظ پایداری به حداکثر برسانند. در ادبیات موضوع از این سیاست به عنوان یک پاسخ تاکتیکی به محدودیت منابع مالی و فشارهای سیاسی خارجی، یاد شده است (ناکامورا^{۵۰}، ۲۰۲۰). همچنین این سیاست توسعه شهری به طور فزاینده‌ای وابسته به توانایی نخبگان سیاسی و اقتصادی محلی برای مدیریت و در صورت لزوم حل و فصل خواسته‌های زیست

محیطی از داخل و خارج از منطقه شهری است (وایل و همکاران^{۵۱}، ۲۰۰۴).

در گزارشی با نام شهر اسرارها که توسط دفتر منطقه‌ای منهن برای شهر نیویورک منتشر شده است، پنج ویژگی برای اکوسیستم شهرکارآفرین بیان شده است: (۱) وجود استعداد و توانایی در اقل‌تر متوسط جامعه (کارگران) که بتوانند مشاغل تخصصی و نیازهای شرکت‌های مستقر در شهر را برآورده کنند.

(۲) نبود بروکراسی اداری دست‌وپاگیر که منجر به نوار قرمز^{۵۲} و تأخیرات طولانی^{۵۳} در راه اندازی کسب و کارها شده و بازدهی و بهره‌وری آنها را کاهش دهد.

(۳) وجود شبکه اینترنت یکپارچه، مستمر، سراسری و پرسرعت که منجر به ارتباط شهر با شبکه جهانی و رونق کسب و کارهای نوین شود.

(۴) اتصال شبکه یکپارچه حمل و نقل شهری با مرکز شهر و وجود زیرساخت‌های لازم در این زمینه

(۵) ایجاد یک اتمسفر مقرون به صرفه برای زندگی جوانان و طبقه متوسط جامعه بطوریکه هزینه‌های زندگی و کسب‌وکار مانند مسکن، فضای اداری و غیره، مناسب و مقرون به صرفه باشد (استرینگر^{۵۴}، ۲۰۱۲).

به طور خاص، سه ویژگی تعریف شده از شهرهای کارآفرین در ادبیات بیان شده است:

۱- شهرکارآفرین استراتژی‌های نوآورانه‌ای را دنبال می‌کند که هدف آن حفظ یا افزایش رقابت اقتصادی خود در برابر دیگر شهرها و فضاهای اقتصادی است.

۲- این استراتژی‌ها واقعی و انعطاف‌پذیر هستند. آنها استراتژی مشروط نیستند، بلکه به صراحت فرموله شده و در یک سبک کارآفرینانه و فعال دنبال می‌شوند.

۳- ترویج کنندگان شهرهای کارآفرین، یک گفتمان کارآفرینانه را در میان خود پذیرفته‌اند و شهرهای خود را به صورت کارآفرینانه معرفی و عرضه می‌کنند.

معیار اول و دوم، شهرهایی با عملکرد خوب اقتصادی را از شهرهای کارآفرین متمایز می‌کند. هر شهری که عملکرد خوبی دارد کارآفرین نیست و هر شهر کارآفرین، لزوماً عملکرد خوبی ندارد. معیار سوم برای تشخیص شهرکارآفرین از شهرهای غیرکارآفرین مفید است (جیسپا و سام^{۵۵}، ۲۰۰۰).

^{۴۵} Faggio & Silva

^{۴۶} While et al.

^{۴۷} GEM

^{۴۸} Sternberg & Bosma

^{۴۹} Sriram et al.

^{۵۰} Nakamura

^{۵۱} While et al.

^{۵۲} red tape

^{۵۳} Lengthy delays

^{۵۴} Stringer et al.

^{۵۵} Jessop & Sum

تعداد کارآفرینان و کیفیت محیط پیرامونی مؤثر می‌باشد (ناکامورا^{۶۱}، ۲۰۲۰).

کی‌ویلوانگ^{۶۲} و همکاران^{۶۳} که مطالعات خود را با محویت شهر استکهلم انجام داده‌اند، معتقدند مرزهای جغرافیایی برای شهرها چندان اهمیت نداشته و در عمل کلان‌شهرها با توسعه زیرساخت‌های حمل و نقلی و دیگر زیرساخت‌های شهری در واقع تسهیلگر شکل‌گیری اکوسیستم کارآفرینی برای محیطی فراتر از ابعاد جغرافیایی شهرها خواهند بود (کی‌ویلوانگ و همکاران^{۶۴}، ۲۰۲۰).

به این ترتیب افزایش سطح کارآفرینی (بطورخاص توسعه کسب و کارهای بزرگ و اصلی) پیش‌نیاز رشد و توسعه اقتصادی جامعه است. همچنین برای نیل به این هدف باید بستر و زمینه مناسب وجود داشته باشد، به عبارت دیگر برخورداری از سطوح بالای کارآفرینی در جامعه مستلزم ایجاد و توسعه زمینه‌های آن در کشور است. در سند چشم‌انداز کشور ایران به عنوان سند بالادستی کشور و در ارتباط آن با سایر برنامه‌ها از جمله سند برنامه‌های توسعه کشور، به توسعه کارآفرینی توجه ویژه‌ای شده است. توسعه شهرکارآفرین نیز از این قاعده مستثنی نبوده و باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

۲-۲- مفاهیم مربوط به توسعه پایدار شهری

۲-۲-۱- توسعه

توسعه، فرآیندی با ابعاد مختلف و مجموعه اهداف گوناگون است. این ابعاد جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه را در بر دارد. با توجه به اینکه ارزش‌ها به شرایط مطلوب و مورد نظر هر جامعه بستگی دارد، و هیچ الگوی جهانی، برای سنجش ارزش‌ها موجود نیست، لذا مفهوم توسعه، جنبه نظری و ارزشی داشته که از یک جامعه به جامعه دیگر و از یک زمان به زمان دیگر، در حال دگرگونی است (پندیت و همکاران^{۶۵}، ۲۰۱۷).

با توجه به ماهیت این تحقیق، به جنبه اقتصادی در مفهوم توسعه توجه بیشتری شده است. برخی توسعه اقتصادی را فرآیندی می‌دانند که به موجب آن، تولید سرانه شاغلین نیروی کار در بلندمدت افزایش می‌یابد. درعین حال دیگران، توسعه اقتصادی را فرآیندی می‌دانند که موجب افزایش درآمد سرانه در بلندمدت می‌شود (دوروسو-سیفتسی و همکاران^{۶۶}،

در شهرکارآفرین تصویر جدید ملی و بین‌المللی برای شهر شکل خواهد گرفت و احیای مرکز شهر و توسعه زیرساخت‌های ورزش، حمل و نقل و هنر در شهر مدنظر خواهد بود که به نوآوری شرکت‌ها، مؤسسات تحقیقاتی و مردم بستگی دارد و با ایجاد ترکیباتی جدید از منابع در مناطق جدید یا قدیمی، منجر به رشد ملی و محلی بالایی خواهد شد (ناکامورا^{۶۶}، ۲۰۲۰؛ وایل و همکاران^{۶۷}، ۲۰۰۴). همچنین در این میان می‌توان با ایجاد یک اکوسیستم کارآفرینانه موفق در محیط شهری با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای حاضر، تا حد زیادی، فرآیند خلق ثروت را در یک شهر دائمی کرد (هال و هوبارد^{۶۸}، ۱۹۹۶) که این موضوع کمک شایانی به شکل‌گیری شهرکارآفرین می‌کند.

استرنبرگ^{۶۹} و دیگر همکارانش با استناد از داده‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی در ۳۴ شهر جهان، چارچوبی را شامل فرآیندی فردی بین ادراکات کارآفرینانه و فعالیت‌های کارآفرینی توسعه داده و نشان داده‌اند که چگونه محیط شهری می‌تواند بر این فرآیند تأثیر بگذارد. آنها مفهومی را به نام "مزیت کارآفرینانه شهرهای جهانی" توسعه داده‌اند که در واقع توضیحی از شهرکارآفرین است و شاخص‌ها و معیارهایی را بیان می‌کنند که تبیین‌کننده شهرکارآفرین در سطح بین‌المللی می‌باشد؛ این شاخص‌ها شامل: تمایل به کارآفرینی در شهروندان، درک توانایی‌های کارآفرینانه توسط افراد، سطح تحصیلات، در دسترس بودن برنامه‌های آموزش کارآفرینی و غیره می‌باشد. همچنین معتقدند در شهرهای کارآفرین، دو فاکتور خلاقیت و نوآوری از جایگاه ویژه‌ای برای دستیابی به رشد اقتصادی برخوردار هستند. نهایتاً آنها بیان می‌کنند که تعامل میان کارآفرینی و توسعه اقتصادی به لحاظ نظری در تئوری رشد جدید یا جغرافیای اقتصادی جدید پایه‌ریزی نشده است و نیاز به تحقیق در این رابطه وجود دارد (استرنبرگ و همکاران^{۶۰}، ۲۰۰۸).

هیروکی ناکامورا^{۶۱} در تحقیق خود^{۶۱} آن می‌دهد که می‌توان با استفاده از عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و محیطی، ارزش یک شهر را ارزیابی نمود. برای ارزیابی این مقادیر، داده‌های خاص از جمله موارد مربوط به گروه‌های قومی، مناطق سبز، میزان جرم و جنایت، تحصیلات، نرخ بیکاری،

^{۶۶} Nakamura

^{۶۷} While et al.

^{۶۸} Hall & Hubbard

^{۶۹} Sternberg

^{۶۰} Sternberg et al.

^{۶۱} Hiroki Nakamura

^{۶۲} Nakamura

^{۶۳} Kvilvang

^{۶۴} Kvilvang et al.

^{۶۵} Pandit et al.

^{۶۶} Durusu-Ciftci et al.

۲۰۱۷). همچنین برخی از صاحب نظران توسعه اقتصادی را فرایندی می‌داند، که اقتصاد را از یک دوگانگی (بخش سنتی و بخش مدرن)، به یک اقتصاد مدرن برساند (نومارک و همکاران^{۶۷}، ۲۰۰۸).

۲-۲-۲- توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار در ادبیات جامعه‌شناسی مطرح می‌باشد که منظور از آن، گسترش امکانات زندگی انسان‌ها (نسل حاضر و نسل‌های آینده) می‌باشد (گوژمان و همکاران^{۶۸}، ۲۰۱۷)؛ به بیان دیگر توسعه پایدار است که نیازهای کنونی جامعه را برآورده می‌سازد بطوریکه توانایی نسل‌های آینده نیز در برآوردن نیازهایشان کاهش نیابد (زرین‌جویی و همکاران، ۱۳۹۹).

برای اینکه بتوان توسعه را پایدار نامید، باید دارای چهار مشخصه باشد: ۱- بهره‌وری ۲- عدالت ۳- انعطاف‌پذیری ۴- ثبات. منظور از توسعه پایدار^{۶۹} علاوه بر حفاظت از محیط زیست، رشد اقتصادی است که توزیع عادلانه امکانات زندگی برای تمام مردم را به ازمغان آورد و نباید بگونه‌ای باشد که آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و یا زیست‌محیطی به نسل‌های بعدی تحمیل کند (موس و همکاران^{۷۰}، ۲۰۰۶). در فرآیند توسعه پایدار، منابع، سرمایه، فناوری و تغییرات نهادی به گونه‌ای سازگار با نیازهای حال و آینده بشر جهت‌دهی می‌گردد و در طول زمان تداوم داشته باشد (پندیت و همکاران^{۷۱}، ۲۰۱۷).

۲-۲-۳- توسعه پایدار شهری

در تعریف توسعه پایدار شهری با حفظ کلیات آن، می‌توان مفهوم توسعه پایدار را بر شهر تسری داد، لیکن تشریح و تفسیر توسعه پایدار را باید به نحوی در ابعاد شهری تسری داد که بتواند کاربردهای آموزشی، ترویجی و حتی کاربردهای برنامه‌ریزی داشته باشد و در جزئیات محدوده‌ها و تقسیم بندی‌های جغرافیایی و یا موضوعی دسته‌بندی شود (مدیروس و فندرزوت^{۷۲}، ۲۰۲۰).

یکی از مفاهیمی که در رابطه با توسعه پایدار شهری مطرح است، برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه شهری^{۷۳} است. مراحل تهیه و تدوین CDS مشارکتی بوده و سهامداران عمده از تمام

بخش‌های جامعه در آن حضور خواهند داشت. میزان موفقیت و تحقق برنامه‌های توسعه راهبردی رابطه مستقیم با میزان همکاری و مشارکت بین مردم، شهرداری و کلیه نهادهایی دارد که در توسعه و اداره شهر تأثیر گذارند. اهداف CDS (که در واقع اهداف توسعه پایدار شهری نیز هستند) عبارتست از: ۱- دستیابی به مدیریت و حاکمیت شهری بهبود یافته، ۲- استفاده از کلیه امکانات و ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای توسعه همه جانبه شهر ۳- برداشتن تمام موانع رشد و توسعه همه جانبه. همچنین در اصول CDS آمده است که شهرهایی پایدار تلقی می‌شوند که:

۱- قابل زندگی هستند^{۷۴}: شهری که دارای کیفیت بالای زندگی بوده و در آن همه ساکنین از فرصت‌های یکسان برای مشارکت و بهره‌مندی از مزایای اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشند.

۲- رقابتی هستند^{۷۵}: شهرهایی که بتوانند خود را در معرض رقابت با شهرهای مشابه قرار دهند.

۳- بانکی هستند^{۷۶}: شهرهای که دارای سیستم مالی شهری کارآمد در استفاده از منابع درآمدی و هزینه‌ای خود هستند. ۴- خوب مدیریت و اداره می‌شوند^{۷۷}: مدیریت خوب مدیریتی است که: اولاً پاسخگوست، دوماً در کار خود شفافیت دارد، سوماً برای ورود به رقابت با شهرهای مشابه قدرتمند است که به نوعی مفاهیم برگرفته از الگوی حکمرانی خوب است (رسولی‌منش و همکاران^{۷۸}، ۲۰۱۵).

۲- روش شناسی:

با توجه به پیچیدگی موضوع پژوهش و عدم کفایت نسبی منابع، می‌بایست در رابطه با موقعیت نامعین تحقیق (نحوه اثرگذاری کارآفرینی شرکتی بر توسعه پایدار شهری با استفاده از الگوی شهرکارآفرین)، زمینه‌سازی لازم صورت پذیرد. واضح است در چنین شرایطی نمی‌توان با استفاده از روش کمی، به شناخت کافی در رابطه با موقعیت نامعین مذکور دست یافت؛ لذا ناگزیر به استفاده از روش کیفی هست^{۷۹} در این پژوهش از طرح تحقیق کیفی استفاده شده است و با توجه به اینکه این تحقیق به دنبال تشریح یک فرآیند بنیادی اجتماعی است، از روش نظریه برخاسته از داده^{۷۹} به شیوه نوخاسته^{۸۰} بهره گرفته

^{۷۴} Livable

^{۷۵} Competitive

^{۷۶} Bankable

^{۷۷} Well managed and well governed

^{۷۸} Rasoolimanesh et al.

^{۷۹} grounded theory

^{۸۰} emerging

^{۶۷} Neumark et al.

^{۶۸} Guzmán et al.

^{۶۹} Sustained development

^{۷۰} Moss et al.

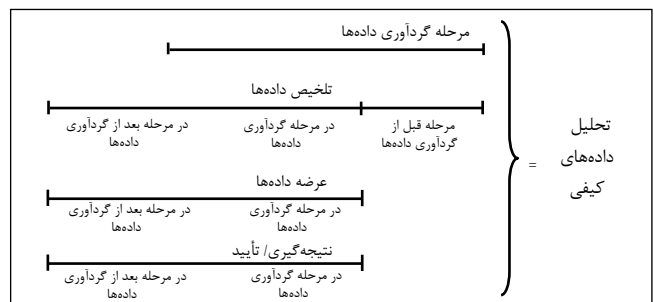
^{۷۱} Pandit et al.

^{۷۲} Medeiros & Van Der Zwet

^{۷۳} City Development Strategic (CDS)

شده است؛ بطوریکه مطابق شکل ۱، ابتدا داده‌های کیفی با مراجعه به پیشینه تحقیق و دیگر اسناد و مدارک و با بهره‌گیری از روش مرور سیستماتیک و نیز با استفاده از ابزارهای تحلیل محتوا، گردآوری و ساختار اولیه دسته‌بندی متغیرها بدست آمد. در ادامه با توجه به تجربه‌ی زیسته‌ی نگارندگان تحقیق که هر کدام در زمینه‌ی این تحقیق، دارای تخصص علمی و عملی می‌باشند، متغیرها و مؤلفه‌های اصلی پژوهش احصا گردید و نهایتاً مدل مفهومی تحقیق که هدف اصلی پژوهش نیز می‌باشد، بدست آمد. در مجموع کلیات مراحل کار به شرح زیر صورت پذیرفت:

- ۱- بررسی پیشینه مفهوم کارآفرینی شرکتی و شهرکارآفرین
- ۲- بررسی پیشینه مفهوم توسعه پایدار شهری
- ۳- تلفیق نظری دو مورد فوق و بررسی پیشینه موضوع
- ۴- استخراج کدها و مقوله‌های اصلی مطابق پیشینه تحقیق
- ۵- مطابقت مقوله‌ها و مؤلفه‌های احصا شده با تجربه‌ی زیسته-ی پژوهشگران
- ۶- ارائه مدل مفهومی از اثرگذاری کارآفرینی شرکتی بر توسعه پایدار شهری با بهره‌گیری از الگوی شهرکارآفرین



شکل ۱- اجزاء فرآیند تحلیل داده‌های کیفی (بازرگان و همکاران، ۱۳۹۵)

برای سنجش روایی صوری و روایی محتوایی از کمک متخصصان دانشگاهی و اجرایی مرتبط با موضوع پژوهش استفاده شده است.

عملاً در این تحقیق به جز مبانی نظری و پارادایمیک پژوهش که ناخواسته در نظر محقق تأثیرگذار است، پیش فرض دیگری در نظر گرفته نشده است. لیکن با توجه به وسعت نظری موضوع پژوهش، فرآیند پژوهش محدود به مسائل اقتصادی و بعضاً اجتماعی شده، بطوریکه نتایج حاصل از تحقیق منجر به نتایج کاربردی خواهد شد.

همچنین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اکوسیستم شهرکارآفرین بسیار متنوع و گسترده می‌باشند که برای ساده‌سازی پژوهش، از اثرات دیگر عوامل، به جز عوامل و متغیرهای کارآفرینی شرکتی، صرف نظر شده است. بعلاوه پیش فرض‌های فلسفی و پارادایمیک پژوهش مبتنی بر پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی^{۸۱} و به شرح ذیل می‌باشد:

پیش فرض هستی‌شناسانه: رویکرد پژوهش موقعیتی مابین رویکرد ذهنی و عینی (و بیشتر ذهنی) به واقعیت است و واقعیت را کاملاً مستقل از پژوهش‌گر نمی‌داند. واقعیت تلفیقی از آن چه هست و آنچه که افراد درک کرده‌اند، می‌باشد. در واقع واقعیت یک پدیده اجتماعی چندبعدی است که لایه‌های زبان و گفتمان نهفته است.

پیش فرض معرفت‌شناسانه: رویکرد تحقیق اتخاذ موضعی مابین ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی است و باید گفت نتایج تحقیق بسیار متأثر از زمان و مکان آن است و طبیعتاً به مشخصات زمینه‌ای که بررسی شده است وابستگی زیادی دارد و بر اساس روابط شناسایی شده در طول تحقیق نمود پیدا کرده است.

پیش فرض روش‌شناسانه: پژوهش مبتنی بر اصول کیفی است لیکن از طرفی تأثیر پذیری آن از تجربیات علمی و عملی نگارندگان مقاله انکارناپذیر است. همچنین تحقیق به دنبال شناسایی ابعاد شهرکارآفرین است و مدیران ملی و محلی را برای توسعه کارآفرینی در بستر کلان‌شهرها کمک می‌نماید.

یافته‌های پژوهش:

یافته‌های پژوهش نشان داد که شهر کارآفرین به عنوان یک سیاست جدید در توسعه پایدار کلان‌شهرها مطرح می‌باشد و یکی از راهکارهای ایجاد شهرکارآفرین توسعه کارآفرینی شرکتی در کلان‌شهرهاست بطوریکه کارآفرینی شرکتی و عملکرد اقتصادی کلان‌شهرها رابطه مثبت و معنی داری با یکدیگر دارند.

روش تحقیق انتخاب شده، از شیوه مقوله‌بندی تطبیقی ثابت استفاده شده و کانون توجه به اتصال مقوله‌ها و پردازش نظریه معطوبوده است و صرفاً به توصیف مقوله‌ها پرداخته نشده است که نهایتاً مدل نهایی (که در واقع جنبه نظریه دارد)، با استفاده از داده‌ها تکوین یافته است. با استفاده از کدگذاری و بازبینی محتوای کیفی در دسترس و ادبیات موضوع، مقوله‌ها بدست آمد و با پایش مقوله‌ها تعداد آنها کاهش یافت و با تجربه‌ی زیسته نویسندگان و نظرات خبرگان موضوع تطبیق داده شد. و در انتها تشریح مدل نظری پژوهش مطابق بررسی‌های صورت گرفته انجام شده است.

همانطور که بیان شد استفاده از روش سیستماتیک مرور متون، منجر به ایجاد وحدت نظری در ادبیات خواهد شد که اعتبار یافته‌های این بخش را تضمین خواهد کرد. همچنین

^{۸۱} Social Constructionism

است؛ لذا توسعه هر عامل و موضوعی که منجر به شکل‌گیری شهرکارآفرین گردد، نهایتاً منجر به توسعه پایدار در سطح کلان‌شهرها خواهد شد.

مفاهیم و متغیرهای اصلی این پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است. با توجه به مطالب بیان شده، اینطور اثبات شد که یکی از پیامدها و اثرات قطعی شهرکارآفرین "توسعه پایدار شهری"

جدول ۱- تعریف عملیاتی و مفهومی سازه‌ها و متغیرهای تحقیق

تعریف عملیاتی	تعریف مفهومی/نظری	سازه‌ها و متغیرهای پژوهش	
مناطق شهری که سطح بالاتری از فعالیت‌های کارآفرینانه را نسبت به هم‌تایان خود نشان داده و شاخص‌هایی مطابق جدول ۲ را شامل می‌شود (برگرفته از (استرنبرگ و همکاران ^{۸۳} ، ۲۰۰۸).	شهرکارآفرین یک سیاست جدید شهری است که در آن ائتلاف‌ها و منابع مختلف محلی تلاش می‌کنند تا ارزش اقتصادی فضای شهری را افزایش داده و جذب سرمایه را با حفظ پایداری به حداکثر برسانند (برگرفته از (وایل و همکاران ^{۸۲} ، ۲۰۰۴).	شهرکارآفرین	سازه‌های تحقیقی
شهرهایی پایدار تلقی می‌شوند که قابل زندگی (Livable)، رقابتی (Competitive)، بانکی (Bankable) بوده و خوب مدیریت و اداره (Well managed and well governed) می‌شوند (برگرفته از (رسولی‌منش و همکاران ^{۸۵} ، ۲۰۱۵).	توسعه پایدار شهری فرآیندی است که منابع شهری، سرمایه، فناوری و تغییرات نهادی به گونه‌ای سازگار با نیازهای حال و آینده بشر جهت‌دهی شده باشد (برگرفته از (پندیت و همکاران ^{۸۴} ، ۲۰۱۷).	توسعه پایدار شهری	
رفتارهایی نظیر نوآوری (innovativeness)، پیش‌فعالی (proactiveness)، ریسک‌پذیری (risk-taking)، تهاجم رقابتی (Competitive aggressiveness) و استقلال (autonomy) را شامل می‌شود (برگرفته از (کوپن و لامپکین ^{۸۷} ، ۲۰۱۱).	یک جهت‌گیری استراتژیک در سطح سازمان است که فلسفه مدیریتی، رفتار سازمان و اسلوب استراتژیک را که در ذات کارآفرینانه هستند، شامل می‌شود (برگرفته از (چورج و مارینو ^{۸۶} ، ۲۰۱۱).	گرایش کارآفرینانه	متغیرهای کارآفرینی شرکتی
یک فرآیند پویا مبتنی بر کسب دانش و مهارت‌های پیشرفته که برای توسعه کلان‌شهرها، سطح زندگی و توانمند سازی افراد حیاتی است (برگرفته از (انوازور ^{۸۹} ، ۲۰۱۲).	توسعه منابع انسانی و تقویت سیستم‌های مدیریتی و همچنین توسعه نهادی است که باعث مشارکت جامعه و ایجاد یک محیط فعال خواهد شد. (برگرفته از (انوازور ^{۸۸} ، ۲۰۱۲).	توسعه ظرفیت‌های سازمانی	
توسعه قابلیت‌های پویا به شکل‌گیری بازارهای جدید، توسعه محصولات جدید، ابعاد مختلف نوآوری و شناسایی تهدیدها و فرصت‌ها، توانایی درک نیازهای متغیر مشتری، توانایی درک پیشرفت‌های رقابتی کمک نموده، بطوریکه منجر به توسعه پایدار خواهد شد (برگرفته از (فانک و کوپپر ^{۹۱} ، ۲۰۱۱).	توانایی سازمان در یکپارچه سازی، ساخت و صورت‌بندی مجدد قابلیت‌های درونی و بیرونی برای مواجهه با تغییر سریع محیط (برگرفته از (آمبروسینی و همکاران ^{۹۰} ، ۲۰۰۹).	توسعه قابلیت‌های پویای سازمانی	

جدول ۲- مقوله های اصلی شهرکارآفرین

پیامدهای شهرکارآفرین	تعامل اجتماعی کارگزاران و ساختار در شهرکارآفرین	شرایط ساختاری شهرکارآفرین
----------------------	---	---------------------------

^{۸۲} While et al.

^{۸۳} Sternberg et al.

^{۸۴} Pandit et al.

^{۸۵} Rasoolimanesh et al.

^{۸۶} George & Marino

^{۸۷} Covin & Lumpkin

^{۸۸} Nwazor

^{۸۹} Nwazor

^{۹۰} Ambrosini et al.

^{۹۱} Funcke & Kuiper

<ul style="list-style-type: none"> • اشتغال‌زایی • خلق ثروت دائمی • افزایش رفاه • شادابی و پویایی اجتماعی • کاهش فقر • خلق و توسعه فناوری • توسعه بازار محصولات • کاهش میزان جرم و جنایت 	<ul style="list-style-type: none"> • وجود ساز و کار حمایت از کارآفرینان • اعتماد متقابل و فرهنگ کارآفرینانه • منابع مالی و ساختار تأمین مالی کارآفرینانه • بازار سرمایه • حمایت و توسعه نوآوری رادیکال • وجود برنامه آموزش مهارت‌های کارآفرینانه • شبکه‌سازی و حکمرانی شبکه‌ای 	<ul style="list-style-type: none"> • سیاست‌های محلی مناسب • سیاست‌های ملی مناسب • مدیریت محلی قدرتمند و کارآفرینانه • احترام و گفت‌وگو کارآفرینانه • جمعیت و نیروی کار • زیرساخت‌های فناوری محور • زیرساخت‌های طبیعی و اکولوژیکی • زیرساخت‌های حمل و نقل • زیرساخت‌های مالی پایدار
--	---	---

شرکتی در کدام یک از سطوح مقوله‌های شهرکارآفرین مفید فایده بوده و بصورت مؤثر منجر به بهبود آن خواهند شد. همانطور که بیان شد؛ مطابق با ادبیات موضوع که در رابطه با شهرکارآفرین تاکنون مرور شده است و همچنین با توجه به متدولوژی تحقیق؛ ابعاد، مؤلفه‌ها و متغیرهای شهرکارآفرین در سه دسته شرایط ساختاری، تعامل اجتماعی و پیامدها قابل دسته‌بندی هستند که کدهایی با بیشترین تکرار و تأکید در ادبیات موضوع به شرح مندرج در جدول ۲ می‌باشند. همچنین مطابق با ادبیات موضوع در رابطه با کارآفرینی شرکتی، متغیرها و زیرمتغیرهایی در سه دسته مختلف به شرح جدول ۳ احصا شده است.

مطابق پیشینه تحقیقات مرتبط و نیز با توجه به تجربه‌ی زیسته‌ی نگارندگان این مقاله، شهرکارآفرین دارای شرایط ساختاری و اجتماعی مختلفی است که خواستگاه‌ها و عوامل متعددی در شکل‌گیری آن مؤثر هستند. همچنین ویژگی‌هایی را داراست که این موضوعات منجر به پیامدهایی خواهد شد که این مجموعه از عوامل و متغیرها تحت تأثیر کارآفرینی شرکتی ممکن است تقویت شده و توسعه آن توسط مدیران ملی و محلی به توسعه هرچه بیشتر و پویایی شهرکارآفرین کمک نماید. الگوی نهایی این مقاله (مطابق شکل ۲) مشخص می‌کند که کدام یک از متغیرها و زیرمتغیرهای کارآفرینی

جدول ۳- متغیرها و زیرمتغیرهای کارآفرینی شرکتی

توسعه ظرفیت‌های سازمانی	توسعه قابلیت‌های پویا	گرایش کارآفرینانه
<ul style="list-style-type: none"> • کسب مهارت‌های کارآفرینانه در راستای اهداف سازمان • توسعه ظرفیت‌های فردی و سازمانی • خودآگاهی و توسعه منابع انسانی • توسعه تفکر خلاق و نوآورانه در سازمان • توسعه سیستم‌های مدیریتی • توسعه نهادی 	<ul style="list-style-type: none"> • قابلیت پیکربندی مجدد منابع • قابلیت هماهنگ‌سازی منابع • قابلیت یکپارچه‌سازی منابع • احساس و درک فرصت‌ها و تهدیدها • استفاده از فرصت‌ها • قابلیت یادگیری سازمانی 	<ul style="list-style-type: none"> • نوآوری • پیش‌فعالی یا پیش‌گام بودن • ریسک‌پذیری • تهاجم رقابتی • استقلال

شایانی نماید که منجر به دستیابی شرکت‌ها به منابع جدید خواهد شد.

با توجه به مواردی که خصوصاً ویژگی‌های شهرکارآفرین و سازوکار مدیریت در شهرها بیان شد، نشان می‌دهد که شهرها یک سیستم زنده و پویا هستند و نیازمند استفاده از یک مدل پیچیده‌تر برای مدل‌سازی نسبت به روال ساده و سنتی مدیریت عمومی می‌باشد. این تفکر که فعالیت‌ها و اثرات آن در شکل‌گیری نتایج در مسیری مشخص و قابل پیش‌بینی حرکت کرده و بصورت کاملاً شرطی برآیند یک یا چند علت خاص و قابل پیش‌بینی باشند، جای خود را به تفکری مبتنی

هر کدام از این متغیرها به نوبه خود در شکل‌گیری و ثمربخشی هرچه بیشتر و بهتر هریک از شرایط ساختاری و اجتماعی شهرکارآفرین مؤثر می‌باشند؛ بطوریکه به ثمر رسیدن یا اجرای هرکدام از آنها، پیامدهای شهرکارآفرین را سرعت بخشیده و یا سهولت در اجرای آنها، ایجاد می‌نماید؛ بطور مثال زیرمتغیر "توسعه تفکر خلاق و نوآورانه در سازمان‌ها و شرکت‌ها" در رابطه با متغیر "توسعه ظرفیت‌های سازمانی"، شکل‌گیری یکی از شرایط زمینه‌ای شهرکارآفرین (مؤلفه‌ی حمایت و توسعه نوآوری رادیکال) را سرعت می‌بخشد، همچنین می‌تواند در شکل‌گیری مراکز نوآوری شهری کمک

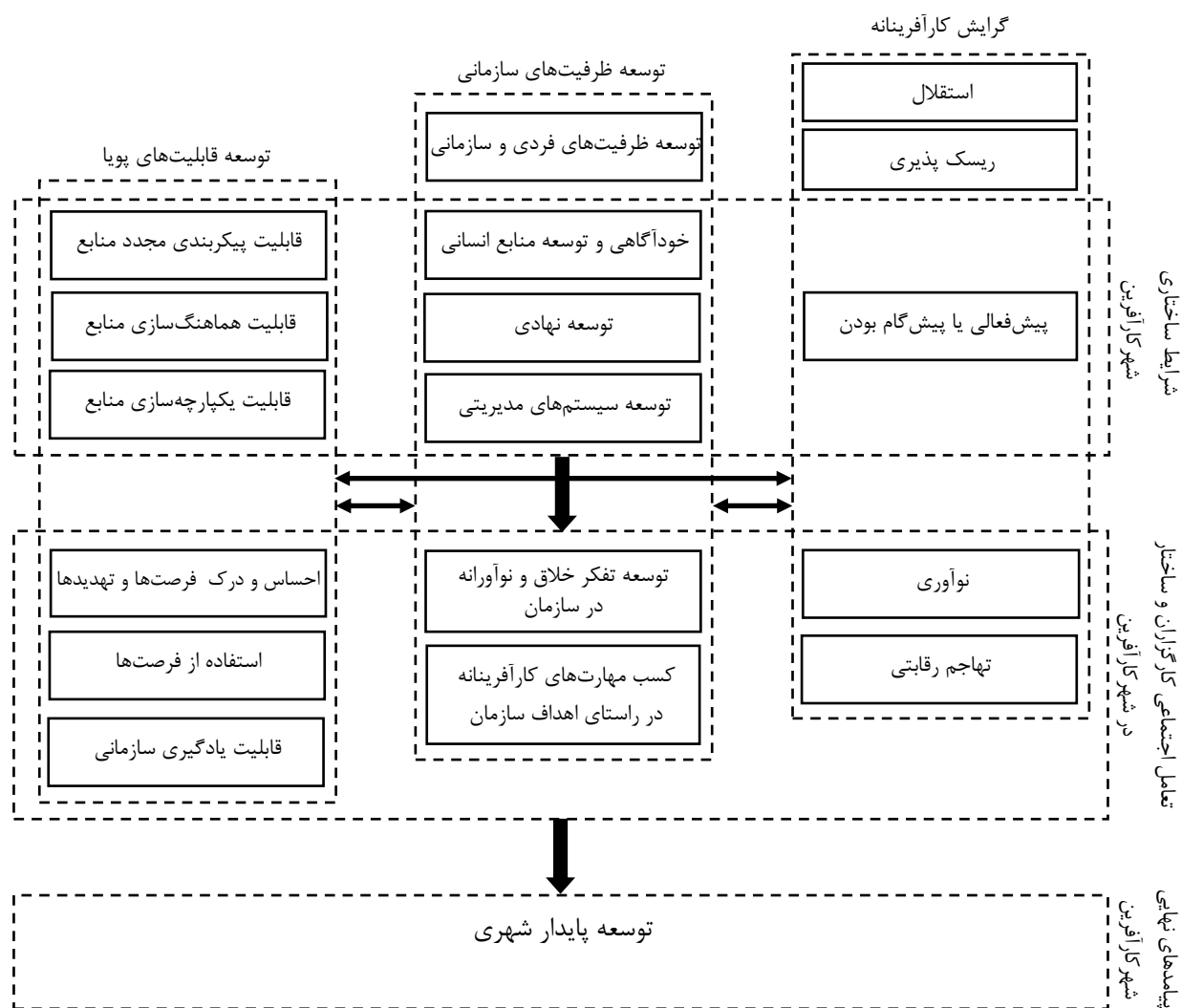
بر حرکات پیچیده داده است (بولتون^{۹۲}، ۲۰۱۰؛ کیرنی^{۹۳}، ۲۰۱۲). شهرها معرف موقعیت‌هایی هستند که در آنها چندین مؤلفه کمی و کیفی به‌طور پیوسته در حال تغییر هستند و به‌شکل ظریفی همه این متغیرها با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. شهرها دارای پیچیدگی سازمان یافته‌ای هستند که براساس مشکلات و متغیرهای بسیاری تحلیل می‌شوند که همه آنها به یکدیگر مرتبط هستند (پرون^{۹۴}، ۲۰۱۹).

بنابراین بر اساس موارد فوق‌الشاره، مدل مفهومی تحقیق مطابق با شکل ۲ تدوین شده است که در این مدل جایگاه متغیرها و زیرمتغیرهای کارآفرینی شرکتی در شهرکارآفرین جهت نیل به توسعه پایدار در کلان‌شهرها نشان داده شده است. لازم به ذکر است در این مدل به لحاظ ساده‌سازی، از بیان دیگر عوامل و مؤلفه‌های شهرکارآفرین صرف‌نظر شده است.

^{۹۲} Boulton

^{۹۳} Cairney

^{۹۴} Perrone



شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق

بحث:

پایدار، سیاست‌ها و استراتژی‌های گوناگونی برای توسعه شهرها پیشنهاد و اجرا گردیده که در این بین کارآفرینی نیز بعنوان یک راهکار جهت توسعه پایدار شهری در برخی کشورها به اجرا درآمده است (فاجیو و سیلوا^{۹۶}، ۲۰۱۴). کارآفرینی نقشی حیاتی در توسعه پایدار جوامع امروزی دارد و یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی کشورها بشمار می‌آید چراکه کارآفرینی مهمترین عامل توسعه نوآوری و اشتغال‌زایی است (گلایزر و همکاران^{۹۷}، ۲۰۱۰؛ شهبازی و همکاران، ۱۳۹۳).

همانطور که قبلاً اشاره **یکی از مهمترین مؤلفه‌های شهرکارآفرین، گسترش بستر نوآوری مبتنی بر توانمندسازی محلی است. در مطالعات رایج (که نظریات قالب در خصوص توضیح فرآیند نوآوری و شکل‌گیری آن و اثرات آن را شامل می‌شود) دو پارادایم برای بررسی و توضیح نوآوری مدنظر**

امروزه ساختار اقتصادی- اجتماعی دنیا با گذشته به طور اساسی تفاوت دارد. باتوجه به ویژگی‌هایی که در خصوص توسعه و نیز توسعه پایدار بیان شد، این نوع از توسعه می‌بایست بر پایه کارآفرینی استوار گردد. اگر این مورد را بپذیریم، باید بستر را برای رشد کسانی که خلاقیت را به نوآوری تبدیل نموده و از دانش در سطح عینی بازار استفاده می‌کنند، فراهم کرد، لذا نقش کارآفرین و نیاز جامعه به کارآفرینی انکار نشدنی است.

از چند سده اخیر و با رشد سریع صنعت و فناوری در جهان، عقب‌ماندگی برخی مناطق شهری بیش از پیش نمایان شده است و برای رفع فقر شدید مناطق کم برخوردار شهری، ارتقای سطح و کیفیت زندگی آنها، ایجاد اشتغال و افزایش بهره‌وری آنان، تمهید "توسعه پایدار شهری" مطرح گردیده است (مدیروس و فندرزوت^{۹۵}، ۲۰۲۰). در راستای توسعه

^{۹۶} Faggio & Silva

^{۹۷} Glaeser et al.

^{۹۵} Medeiros & Van Der Zwet

است: ۱- رویکرد شکست بازار و ۲- رویکرد شکست سیستم. در این رابطه رویکرد دوم (یعنی پارادایم مبتنی بر شکست سیستم) از مفهوم سیستم نوآوری ملی ناشی می‌شود. این سیستم به‌عنوان شبکه‌ای از نهادها در بخش‌های خصوصی و عمومی در نظر گرفته می‌شود که فعالیت‌ها و برهم‌کنش‌های آن‌ها موجب ابتکار، تغییر و انتشار فناوری‌های جدید می‌شود. بازیگران این سیستم طیف گسترده‌ای از کارگزارانی مانند شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، سازمان‌های مالی، سازمان‌های تحقیقاتی پژوهشی دولتی، حکومت و غیره هستند. این مفهوم از این واقعیت نشأت گرفته است که فعالیت نوآوری شامل بازیگران متعددی است که به تنهایی یا به کمک یکدیگر در موفقیت فناوری‌ها و خدمات نوین مشارکت دارند. این رویکرد کل‌گرا کارکرد سیستم نوآور را براساس برخی شکست‌ها تعریف می‌کند. این شکست‌ها ممکن است یک بازیگر توسعه نیافته در سیستم نوآور و یا پیوندی تحت توسعه بین بازیگران در این سیستم باشند (کلین وولتویس و همکاران^{۹۸}، ۲۰۰۵). با استفاده از این چهارچوب، در واقع مفهوم حکومت کارآفرینانه^{۹۹} مطرح می‌شود که شامل اتخاذ سیاست‌هایی با رویکرد پایین به بالا است و نوآوری چالش‌محور را نیز دربر می‌گیرد (فرنکن^{۱۰۰}، ۲۰۱۷). همانطور که مشخص است، مفهوم حکومت کارآفرینانه بسیار شبیه به مفهوم شهرکارآفرین است که در بخش قبل به تفصیل به آن پرداخته شده است و نیز با دخالت همه ذینفعان و کارگزاران دخیل در اداره اکوسیستم شهرکارآفرین گسترش می‌یابد و منجر به نوآوری می‌شود.

توسعه روحیه کارآفرینی و آموزش کارآفرینان منجر به استفاده صحیح از امکانات اقتصادی جامعه و خلق فرصت‌های جدید برای کسب و کارها می‌شود (وونگلیمپیارات^{۱۰۱}، ۲۰۱۳). مطالعات در این زمینه تصریح دارد که عامل ضعف اقتصادی در کشورهای در حال توسعه عمدتاً به خاطر عدم وجود حمایت از نوآوری (فردی و سازمانی) است (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ چراکه اکوسیستم‌های کارآفرینی برای بقا و رشد مستمر، نیازمند استفاده از راهکارهایی جدید هستند و کارآفرینی شرکتی به عنوان یک رویکرد جدید و راهبردی، الگویی کارآمد جهت حصول به اهداف توسعه پایدار در شهرها و نظامات اجتماعی قلمداد می‌گردد (آئینی و سعیدی‌کیا^{۱۰۲}،

۲۰۱۹؛ وونگلیمپیارات^{۱۰۳}، ۲۰۱۳). افزایش و ترغیب سرمایه‌گذاری، اشتغال‌زایی، رشد فناوری، افزایش رفاه و مواردی از این دست، از اثرات مثبت توسعه توسعه کارآفرینی در شهرهاست (ناکامورا^{۱۰۴}، ۲۰۲۰). برای توسعه کارآفرینی در هر اکوسیستم نیاز است که ابتدا یک فرهنگ و گفتمان کارآفرینانه شکل گرفته و گرایش عمومی به کارآفرینی افزایش یابد و در پی آن نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه خود به خود افزایش خواهد یافت (اسپیگل و هریسون^{۱۰۵}، ۲۰۱۸)، بطوریکه مفهوم شهرکارآفرین در این راستا شکل گرفته است. در توسعه شهری از این دیدگاه سه محور مدنظر است:

۱- تحلیل نقش کارآفرینی و شهرکارآفرین در توسعه جوامع شهری

۲- تحلیل پتانسیل‌های موجود در شهرداری‌ها برای حمایت از کارآفرینان شهری و تعاملات آنها با نهادهای دولتی در این زمینه

۳- تحلیل ساختار، کارکردها و سازوکارهای عملیاتی مراکز رشد کارآفرینان شهری (گلیزر^{۱۰۶}، ۲۰۰۷). که در این میان به کارآفرینی شرکتی به عنوان راهکاری که اثرگذاری آن در توسعه اقتصادی به مراتب از کارآفرینی مستقل بیشتر می‌باشد؛ کمتر توجه شده است.

کارآفرینی علاوه بر تأثیر مستقیم بر شاخص‌های اقتصادی شهرها و کشورها، در سطح اجتماعی نیز یک عامل اثرگذار مهم بشمار می‌رود. شبکه‌سازی، کاهش جرم و جنایت، افزایش روحیه نشاط عمومی، افزایش مهارت‌های شهروندی و مواردی از این دست، از جمله اثرات توسعه کارآفرینی در جوامع شهری است؛ فلذا طبعاً مدیریت شهری که بصورت مستقیم با زندگی اجتماعی و اقتصادی شهروندان مرتبط است، از این اثرات منتفع شده و اثرات متقابلی از آن خواهد پذیرفت (سریرام و همکاران^{۱۰۷}، ۲۰۰۷).

برخی از محققان اهمیت منافع محلی را در کارآفرین‌سازی شهری^{۱۰۸} مشخص کرده‌اند و این واقعیت را برجسته می‌کنند که عمدتاً شرکت‌های محلی، مشارکت اصلی در اداره رژیم‌های شهری را تشکیل می‌دهند (هال و هوپارد^{۱۰۹}، ۱۹۹۶). لذا کارآفرینی شرکتی یکی از محرک‌های اصلی تغییر

^{۱۰۳} Wonglimpiyarat

^{۱۰۴} Nakamura

^{۱۰۵} Spigel & Harrison

^{۱۰۶} Glaeser

^{۱۰۷} Sriram et al.

^{۱۰۸} Entrepreneurialism

^{۱۰۹} Hall & Hubbard

^{۹۸} Klein Woolthuis et al.,

^{۹۹} Entrepreneurial State

^{۱۰۰} Frenken

^{۱۰۱} Wonglimpiyarat

^{۱۰۲} Aeeni & Saedikiya

و تحول در جامعه محسوب می‌شود و می‌توان آنرا پیش‌قراول توسعه جدید در محیط شهرها دانست (جیساپ و سام^{۱۱۰}، ۲۰۰۰).

۶- نتیجه‌گیری:

از آنجا که اشتغال‌زایی و ایجاد روحیه کارآفرینی در میان شهروندان یکی از مهمترین دغدغه‌ها در حوزه مدیریت شهری است، پرداختن به موضوع کارآفرینی در بستر مدیریت شهری جهت نیل به توسعه پایدار، مستلزم توجه و اهتمام جدی‌تری خواهد بود. در این مسیر با عنایت به اینکه کارآفرینی شرکتی منجر به رشد چندبرابری اشتغال و نیز رشد چندبرابری شاخص‌های اقتصادی در مقایسه با کارآفرینی مستقل می‌شود، کارآفرینی شرکتی یکی از محرک‌های اصلی رشد اجتماعی و اقتصادی محسوب شده و می‌توان آن را پیش‌قراول توسعه جدید در محیط شهرها دانست؛ براین اساس بایستی ضمن ایجاد بسترهای شهرکارآفرین و با بهره‌گیری از توسعه کارآفرینی شرکتی و با شناخت همه جانبه‌ی محیط شهرها و شناخت ویژگی‌های جامعه شهری امروزی و با استفاده از مفاهیم آن، با نهادینه سازی اصول کارآفرینی (شرکتی) در کلان‌شهرها، از فرصت به وجود آمده جهت نیل به توسعه پایدار در کلان‌شهرها بهره کافی و وافی را برد.

هر یک از سازه‌ها و مقوله‌های این مقاله (شهرکارآفرین، کارآفرینی شرکتی و توسعه پایدار شهری) دارای ابعاد مختلفی هستند که در این تحقیق با بررسی پیشینه تحقیق با استفاده از روش مرور سیستماتیک و نیز با استفاده از تجارب زیسته‌ی نگارندگان مقاله، ابعاد و مؤلفه‌ها (انواع مهمتر و پرتکرار) انتخاب شدند و مدل مفهومی تحقیق با استفاده از آنها ترسیم گردید. با استفاده از این مدل مدیران محلی و نیز مدیران ملی (در قالب مدیریت شهری) می‌توانند از کلیه ابعاد و امکانات شهر جهت پیشبرد هرچه بهتر اهداف خود برای توسعه پایدار در کلان‌شهرها گام بردارند.

ویژگی کلیدی شهرکارآفرین، حضور عوامل چندگانه با روابط متعامل پیچیده می‌باشد که کارایی و بقای آنان وابسته به یکدیگر است. این ویژگی کلیدی می‌تواند به‌عنوان یک اکوسیستم تحت عنوان شهرکارآفرین در نظر گرفته شود که پویایی‌های اکوسیستم باید در مدل‌سازی لحاظ شوند. شهرکارآفرین حوزه‌ای است که شامل بازیگران و عوامل به هم وابسته گوناگونی می‌شود که در طی زمان پیدایش و تکامل می‌یابند و بنیانی برای شکل‌گیری روش‌های جدید کسب‌وکار

فراهم می‌آورند (آئینی و سعیدی‌کیا^{۱۱۱}، ۲۰۱۹؛ یانگ^{۱۱۲}، ۲۰۱۹).

همانطور که در شکل ۲ نشان داده شده است، عوامل و مؤلفه‌های شهرکارآفرین در سه دسته کلی (شرایط ساختاری- تعامل اجتماعی کارگزاران و ساختار- پیامدهای نهایی) تقسیم‌بندی شده است. در این جدول یکسری از عوامل تحت عنوان شرایط ساختاری زمینه‌ساز ایجاد شهرکارآفرین خواهند شد، بطوریکه مدیران محلی باید سعی کنند این عوامل را در محدوده تحت مدیریت خود که همان کلان‌شهرها هستند، ایجاد نموده و شرایط تحقق آن را تسهیل نمایند. در صورت وجود این عوامل ساختاری، شرایطی مهیا می‌گردد که کارگزاران دخیل در اکوسیستم شهرکارآفرین با یکدیگر و ساختارهای موجود تعامل داشته و زمینه‌ساز شکل‌گیری شهرکارآفرین شده و در واقع اکوسیستم یک شهرکارآفرین را شکل خواهند داد؛ بطوریکه این عوامل نمایشگر مؤلفه‌های یک شهرکارآفرین می‌باشند که در صورت دارابودن آن در یک اکوسیستم شهری، آن را شهرکارآفرین می‌نامیم. در نهایت این تعامل سازنده بین کارگزاران و ساختار منجر به پیدایش پیامدهایی اجتماعی و اقتصادی برای شهرها و کسب و کارهای مستقر در آن گردیده که با تحقق و تداوم آنها، توسعه پایدار در این اکوسیستم تضمین شده خواهد بود.

در این میان مطابق مدل مفهومی تحقیق (شکل ۲) گسترش و توسعه هرچه بیشتر کارآفرینی شرکتی همخوانی و مطابقت زیادی با عوامل سه‌گانه شهرکارآفرین دارد. همانطور که بیان شد، کارآفرینی شرکتی دارای سه متغیر اصلی (شامل: گرایش‌های کارآفرینانه، توسعه ظرفیت‌های سازمانی و توسعه قابلیت‌های پویا) می‌باشد. هر کدام از این متغیرها، دارای تعدادی زیرمتغیر هستند که در جدول ۳ بیان شده است. مطابق شکل ۲ برخی از این زیرمتغیرها در حیطه مقوله‌های سه‌گانه شهرکارآفرین نیستند و برخی در حیطه "شرایط ساختاری شهرکارآفرین" و برخی در حیطه "تعامل اجتماعی کارگزاران و ساختار" قرار می‌گیرند.

در رابطه با متغیر "گرایش کارآفرینانه"؛ زیرمتغیرهای "استقلال" و "ریسک‌پذیری" در حیطه هیچ‌یک از مقوله‌های سه‌گانه شهرکارآفرین قرار نمی‌گیرند؛ لیکن مطابق جدول ۲، مقوله "شرایط ساختاری شهرکارآفرین" در خصوص زیرساخت‌های شهری است فلذا زیرمتغیر "پیش‌فعالی یا پیش‌گام بودن" که مرتبط با این زیرساخت‌هاست، ذیل آن

^{۱۱۱} Aeeni & Saeedikiya

^{۱۱۲} Yang

^{۱۱۰} Jessop & Sum

قرار می‌گیرد. پیش‌گامی یا پیش‌گام بودن ناشی از الگوهای رفتاری است که در بین شرکت‌ها و افراد مختلف متفاوت است که ریشه در عوامل محیطی دارد که شرکت‌ها در آن فعالیت کرده و منجر به ارزش‌آفرینی می‌گردد (ترابی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ لذا این متغیر در زمره شرایط ساختاری شهرکارآفرین قرار می‌گیرد. همچنین زیرمتغیرهای "نوآوری" و "تهاجم رقابتی" به ترتیب متناسب با "حمایت و توسعه نوآوری رادیکال" و "اعتماد متقابل و فرهنگ کارآفرینانه" بوده و در حیطه مقوله "تعامل اجتماعی کارگزاران و ساختار" قرار گرفته‌اند.

در رابطه با متغیر "توسعه ظرفیت‌های سازمانی"؛ زیرمتغیر "توسعه ظرفیت‌های فردی و سازمانی" در حیطه هیچ‌یک از مقوله‌های سه‌گانه شهرکارآفرین قرار نمی‌گیرد؛ اما مطابق جدول ۲، زیرمتغیر "خودآگاهی و توسعه منابع انسانی" مرتبط با "جمعیت و نیروی کار" می‌باشد لذا در حیطه مقوله "شرایط ساختاری شهرکارآفرین" قرار می‌گیرد. همچنین زیرمتغیرهای "توسعه سیستم‌های مدیریتی" و "توسعه نهادی" با "سیاست‌های مدیریت شهری" مرتبط است لذا در حیطه مقوله "شرایط ساختاری شهرکارآفرین" قرار گرفته است. از طرفی زیرمتغیرهای "کسب مهارت‌های کارآفرینانه در راستای اهداف سازمان" و "توسعه تفکر خلاق و نوآورانه در سازمان" به ترتیب متناسب با "وجود برنامه‌های آموزش مهارت‌های کارآفرینانه" و "حمایت و توسعه نوآوری رادیکال" می‌باشند، بطوریکه در حیطه مقوله "تعامل اجتماعی کارگزاران و ساختار" قرار گرفته‌اند.

همچنین مطابق جدول ۲، در رابطه با متغیر "توسعه قابلیت‌های پویا"؛ زیرمتغیرهای "قابلیت پیکربندی مجدد منابع"، "قابلیت هماهنگ‌سازی منابع" و "قابلیت یکپارچه‌سازی منابع" در خصوص "زیرساخت‌های شهری" و نیز "مدیریت محلی قدرتمند و کارآفرینانه" است فلذا در حیطه مقوله "شرایط ساختاری شهرکارآفرین" قرار می‌گیرند. همینطور زیرمتغیرهای "احساس و درک فرصت‌ها و تهدیدها"، "استفاده از فرصت‌ها" و "قابلیت یادگیری سازمانی" به ترتیب متناسب با "شبکه‌سازی و حکمرانی شبکه‌ای"، "وجود سازوکار حمایت از کارآفرینان" و "وجود برنامه‌های آموزش مهارت‌های کارآفرینانه" می‌باشند؛ بنابراین در حیطه مقوله "تعامل اجتماعی کارگزاران و ساختار" قرار گرفته‌اند.

درنهایت، آنچه در مدل مفهومی تحقیق (شکل ۲) مشخص است، "شرایط ساختاری شهرکارآفرین" با کمک "تعامل اجتماعی کارگزاران و ساختار" منجر به پیامدهای

شهرکارآفرین (شامل: اشتغال زایی، خلق ثروت دائمی، افزایش رفاه، شادابی و پویایی اجتماعی، کاهش فقر، خلق و توسعه فناوری، توسعه بازار محصولات و کاهش میزان جرم و جنایت) می‌گردد که پیامد نهایی آن "توسعه پایدار شهری" خواهد بود، لذا این پیامدها (بطور خاص توسعه پایدار) دلیل اصلی توجه به مقوله شهرکارآفرین می‌باشد که مدیریت شهری و حکومت‌های محلی را به سمت تحقق آن تشویق می‌کند.

در پایان پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده، رابطه عوامل و مؤلفه‌های ترسیم شده در مدل مفهومی تحقیق (شکل ۲) با استفاده از ابزارهای پرسشنامه و مصاحبه مورد سنجش قرار گرفته و جزئیات دقیق‌تری از روابط همبستگی متغیرها و زیرمتغیرهای کارآفرینی شرکتی با یکدیگر و مقوله‌های شهرکارآفرین اندازه‌گیری شود و با استفاده از تحقیقات کمی، میزان تأثیر دقیق آنها بر توسعه پایدار کلان‌شهرها مشخص گردد.

۶- منابع:

۱. امانی، معصومه، عزیزپور، فرهاد، طهماسبی، اصغر، افرخته، حسن، و دارابی، حسن. (۱۳۹۹). تحلیلی بر سیاست‌های توسعه روستایی در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران. فصلنامه پژوهش‌های روستائی، ۱۱(۱)، ۲۲-۳۵.
۲. بازرگان، عباس، سرمد، زهره، و حجازی، الهه. (۱۳۹۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (چاپ بیست و نهم). تهران: نشر آگه.
۳. دفتر توسعه کارآفرینی. (۱۳۹۰). نقشه توسعه کارآفرینی کشور/ ایران. تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی جمهوری اسلامی ایران.

۴. زرین‌جویی، محمد، نعمتی، محمدعلی، و رشادت‌جو، حمیده. (۱۳۹۹). نقش دانشگاه و صنعت در اکوسیستم نوآوری در راستای تحقق نوآوری پایداری در کشور. دوفصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی، ۹(۱۷)، ۱۹۹-۲۱۰.

۵. شهبازی، کیومرث، حسن‌زاده، اکبر، و جعفرزاده، بهروز. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر کارآفرینی و نوآوری بر رشد اقتصادی (رهیافت داده‌های تابلویی). دوفصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی، ۲(۵)، ۴۳-۵۴.

۶. مهاجرانی، مهدی، کریمی، فریبا، و نادى، محمدعلی. (۱۳۹۹). شناسایی و بررسی عوامل سازمانی برای پیاده‌سازی نوآوری باز در دانشگاه‌های ایران. دوفصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی، ۹(۱۷)، ۱۴۹-۱۶۲.

۷. ترابی، حسین، خیراندیش، مسعود، محمدی‌خیاره، محسن. (۱۳۹۹). تأثیر اکوسیستم کارآفرینی بر فعالیت کارآفرینانه؛

- entrepreneurial city in action: Hong Kong's emerging strategies in and for (inter)urban competition. *Urban Studies*, 37(12), 2287-2313.
25. Klein Woolthuis, R., Lankhuizen, M., & Gilsing, V. (2005). A system failure framework for innovation policy design. *Technovation*, 25(6), 609-619.
 26. Kvilvang, N., Bjurström, E., & Almqvist, R. (2020). Making sense of complexity in governance: the case of local public management in the City of Stockholm. *Policy Studies*, 41(6), 623-640.
 27. Marsiglio, S. (2011). On the relationship between population change and sustainable development. *Research in Economics*, 65(4), 353-364.
 28. Medeiros, E., & Van Der Zwet, A. (2020). Evaluating Integrated Sustainable Urban Development Strategies: a methodological framework applied in Portugal. *European Planning Studies*, 28(3), 563-582.
 29. Moss, M. L., Kaufman, S. M., & Townsend, A. M. (2006). The relationship of sustainability to telecommunications. *Technology in Society*, 28(1-2), 235-244.
 30. Nakamura, H. (2020). Evaluating the value of an entrepreneurial city with a spatial hedonic approach: A case study of London. *Socio-Economic Planning Sciences*, 71, 100820.
 31. Neumark, D., Zhang, J., & Ciccarella, S. (2008). The effects of Wal-Mart on local labor markets. *Journal of Urban Economics*, 63(2), 405-430.
 32. Nwazor, J. C. (2012). Capacity Building , Entrepreneurship and Sustainable Development. *Journal of Emerging Trends in Educational Research and Policy Studies*, 3(1), 51-54.
 33. Pandit, A., Minné, E. A., Li, F., Brown, H., Jeong, H., James, J.-A. C., Newell, J. P., Weissburg, M., Chang, M. E., Xu, M., Yang, P., Wang, R., Thomas, V. M., Yu, X., Lu, Z., & Crittenden, J. C. (2017). Infrastructure ecology: an evolving paradigm for sustainable urban development. *Journal of Cleaner Production*, 163, S19-S27.
 34. Perrone, C. (2019). 'Downtown Is for People': The street-level approach in Jane Jacobs' legacy and its resonance in the planning debate within the complexity theory of cities. *Cities*, 91(August 2019), 10-16.
 35. Purnama, C. (2013). Influence analysis of organizational culture organizational commitment job and satisfaction organizational citizenship behavior (OCB) toward improved organizational performance. *International Journal of Business, Humanities and Technology*, 3(5), 86-100.
 36. Rasoolimanesh, S. M., Jaafar, M., Badarulzaman, N., & Ramayah, T. (2015). Investigating a framework to facilitate the implementation of city development strategy using balanced scorecard. *Habitat International*, 46, 156-165.
 37. Reynolds, P., Storey, D. J., & Westhead, P. (1994). Cross-national Comparisons of the Variation in New Firm Formation Rates. *Regional Studies*, 28(4), 443-456.
 38. Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). The Promise of Entrepreneurship as a Field of Research. *Academy of Management Review*, 25(1), 217-226.
 39. Soyinka, O., Siu, K. W. M., Lawanson, T., & Adeniji, O. (2016). Assessing smart infrastructure for
 8. Aeeni, Z., & Saeedikiya, M. (2019). Complexity Theory in the Advancement of Entrepreneurship Ecosystem Research: Future Research Directions. *Eurasian Business Perspectives*, 10(1), 19-37.
 9. Ambrosini, V., Bowman, C., & Collier, N. (2009). Dynamic capabilities: An exploration of how firms renew their resource base Abstract. *British Journal of Management*, 20(s1), 9-24.
 10. Angotti, T. (2018). *Metropolis 2000: Planning, Poverty and Politics*. New York: Routledge.
 11. Boulton, J. (2010). Complexity theory and implications for policy development. *Emergence, Complexity and Organisation*, 12(2), 31-40.
 12. Cairney, P. (2012). Complexity Theory in Political Science and Public Policy. *Political Studies Review*, 10(3), 346-358.
 13. Covin, J. G., & Lumpkin, G. T. (2011). Entrepreneurial orientation theory and research: Reflections on a needed construct. *Entrepreneurship: Theory and Practice*, 35(5), 855-872.
 14. Di Vaio, A., Palladino, R., Hassan, R., & Escobar, O. (2020). Artificial intelligence and business models in the sustainable development goals perspective: A systematic literature review. *Journal of Business Research*, 121, 283-314.
 15. Durusu-Ciftci, D., Ispir, M. S., & Yetkiner, H. (2017). Financial development and economic growth: Some theory and more evidence. *Journal of Policy Modeling*, 39(2), 290-306.
 16. Faggio, G., & Silva, O. (2014). Self-employment and entrepreneurship in urban and rural labour markets. *Journal of Urban Economics*, 84, 67-85.
 17. Frenken, K. (2017). A Complexity-Theoretic Perspective on Innovation Policy. *Complexity, Governance & Networks, Special Issue: Complexity, Innovation and Policy*, 35-47.
 18. Funcke, D. B., & Kuiper, N. (2011). *Dynamic Capabilities & Opportunity Recognition in a Corporate Entrepreneurial Setting*. Amsterdam: University of Amsterdam.
 19. George, B. A., & Marino, L. (2011). The epistemology of entrepreneurial orientation: Conceptual formation, modeling, and operationalization. *Entrepreneurship: Theory and Practice*, 35(5), 989-1024.
 20. Glaeser, E. L. (2007). Entrepreneurship and the City. *National Bureau of Economic Research Working Paper Series, No. 13551*, 1-47.
 21. Glaeser, E. L., Rosenthal, S. S., & Strange, W. C. (2010). Urban economics and entrepreneurship. *Journal of Urban Economics*, 67(1), 1-14.
 22. Guzmán, P. C., Roders, A. R. P., & Colenbrander, B. J. F. (2017). Measuring links between cultural heritage management and sustainable urban development: An overview of global monitoring tools. *Cities*, 60A, 192-201.
 23. Hall, T., & Hubbard, P. (1996). The entrepreneurial city: New urban politics, new urban geographies? *Progress in Human Geography*, 20(2), 153-174.
 24. Jessop, B., & Sum, N. L. (2000). An

Entrepreneurship as an Urban Event? Empirical Evidence from European Cities. *Regional Studies*, 48(6), 1016–1033.

44. Stringer, S. M. (2012). *Start-up City: Growing New York City's Entrepreneurial Ecosystem for All*.

45. While, A., Jonas, A. E. G., & Gibbs, D. (2004). The environment and the entrepreneurial city: searching for the urban “sustainability;fix” in Manchester and Leeds. *International Journal of Urban and Regional Research*, 28(3), 549–569.

46. Wonglimpiyarat, J. (2013). Innovation financing policies for entrepreneurial development - Cases of Singapore and Taiwan as newly industrializing economies in Asia. *The Journal of High Technology Management Research*, 24(2), 109–117.

sustainable urban development in the Lagos metropolis. *Journal of Urban Management*, 5(2), 52–64.

40. Spigel, B., & Harrison, R. (2018). Toward a process theory of entrepreneurial ecosystems. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 12(1), 151–168.

41. Sriram, V., Mersha, T., & Herron, L. (2007). Drivers of urban entrepreneurship: an integrative model. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 13(4), 235–251.

42. Sternberg, R., Acs, Z., & Bosma, N. (2008). The entrepreneurial advantage of world cities: evidence from global entrepreneurship monitor data. *Jena Economic Research Papers*, 2008(63), 3–28.

43. Sternberg, R., & Bosma, N. (2014).